

نباید از نظام جمهوری اسلامی توقع داشت که از همان آغاز برای همه پرسش‌ها و مسئله‌ها، پاسخ آماده در دست داشته باشد، اما می‌توان انتظار داشت که متناسب با پیشروی واقعیت اجتماعی، خویش را بازسازی و بازتولید کند و نظریه و سیاست خویش را پیروانند. مسئله اعتراض‌های اجتماعی از این دست است. پس از شکل‌گیری چند موج از اعتراض‌های اجتماعی، اینک باید نسبت خویش را با عینیت مشخص کنیم و از این نسبت، روایت نظریه‌وار ارائه کنیم. روشن است که گام‌های کنونی را باید پیش‌برآمد و مقدمه دانست و توقع حداکثری نداشت و پخته شدن و همه‌جانبه‌نگری را به تأملات بیشتر واگذار کرد. بخش عمده نظریه‌پردازی انقلاب، در متن همین عینیت‌های روزمره رخ می‌دهد، پس باید از این عینیت‌های غنی و پرمغز استقبال کرد و از مواجهه غفلت نکرد. البته شاید ما می‌توانستیم پیش‌دستانه برای امروز خویش، چاره‌اندیشی کنیم، اما دانشگاه و حوزه آن چنان که باید به «افق آینده» نظر ندارد و حتی گاهی از واقعیت‌های روزمره نیز غافل می‌شود، چه رسد به چشم‌اندازهای بلندمدت.

۱. اعتراض و فرااعتراض؛ برنتابیدن جایگزینی دیگری

هرآنچه که اعتراض خوانده می‌شود، اعتراض نیست، بلکه گاهی دلالت‌های فراتر از اعتراض و خارج از دامنه مفهومی آن دارد، چنان‌که برخی نیروهای اجتماعی در سایه اعتراض، در پی «ساختارشکنی» و «ساختارستیزی» هستند و

می‌خواهند از «مرزهای اساسی» عبور کنند، اما انتظار دارند که ساختار، سخن آن‌ها را بشنود و به آن‌ها مجال رسمی بدهد. این امر درباره ساختارهایی که به تعبیر رایج، «ایدئولوژیک» هستند، معنای جدی‌تری به خود می‌گیرد و بیشتر نمایان است. در این قبیل ساختارها، روح حاکم بر ساختار به صورتی ساماندهی شده که بر مجموعه‌ای از «ارزش‌های غایی» استوار شده است و این ارزش‌ها «حقیقت» و «هویت» آن را ساخته است؛ در این حال، حتی اگر نیروهایی وجود داشته باشند که جنبه‌های بیرونی و حقوقی ساختار را بپذیرند و قصد براندازی آشکار و عینی نداشته باشند، اما بخواهند به سوی «ماهیت ایدئولوژیک ساختار» دست‌اندازی کنند، نباید توقع داشت که ساختار به آن‌ها مجال و میدان بدهد. این‌گونه حرکت‌های چالشی، نامحسوس و زیرپوستی هستند؛ از این رو، حساسیت‌ها را برنمی‌انگیزند، اما واقعیت آن است که به طور خزنده و نهفته، ساختار را «از درون» و «به لحاظ هویتی»، تهی و تخلیه می‌کنند. چنین نیروهایی تصریح می‌کنند که «بر ساختار» و «ضد ساختار» نیستند و نمی‌خواهند آن را منهدم کنند، ولی در عمل جهتی را برمی‌گزینند که فقط «شکل بیرونی» و «صورت ظاهری» ساختار می‌ماند و «اصالت‌ها» آن از دست